

عنوان:

اسلام و مفهوم آزادی

نویسنده:

حوریه یونس الخطیب

مترجمان:

حیدر صویلاتی زاده

کریم مجاسبه

ایه دورقی

توفیق بوغیش

ویراستار علمی: جعفر سرچی

ویراستار ادبی: دکتر هادی شه‌پو



سرشناسه	:	خطیب ، حوریه یونس
	:	khatib, huriyah yunis
عنوان قراردادی	:	الاسلام و مفهوم الخریه: فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	اسلام و مفهوم آزادی یا اسلام و مفهوم الخریه/ نویسنده: حوریه یونس خطیب؛ مترجمان: حیدر صویلاتی زاده ... (و دیگران)؛ ویراستار علمی: جعفر شویچی؛ ویراستار ادبی: هادی شمیل پور
مشخصات نشر	:	شادگان: نشر شویکی، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	:	۱۴۹ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۶۸-۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
پادداشت	:	مترجمین: حیدر صویلاتی زاده؛ کریم مجاسبه؛ رقیه دورقی؛ توفیق آلبوغیش
موضوع	:	آزادی -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع	:	Liberty--Religious aspects-- Islam
موضوع	:	آزادی
موضوع	:	Liberty
شناسه افزوده	:	صویلاتی زاده ، حیدر ۱۳۷۱- ، مترجم
شناسه افزوده	:	شویچی جعفر، ۱۳۵۰- ، ویراستار
شناسه افزوده	:	شمیل پور هادی ، ویراستار
رده بندی کنگره	:	BP۲۳۰/۱۴
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۴۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۰۰۱۷۱



اسلام و مفهوم آزادی

نویسنده: حوریه یونس خطیب

مترجمان: حیدر صویلاتی زاده- کریم مجاسبه - رقیه دورقی؛ رفیق آلبوغیش

ویراستار علمی: جعفر شویچی (عضو هیئت علمی دانشگاه امام نور)

ویراستار ادبی: دکتر هادی شمیل پور (عضو هیئت علمی دانشگاه امام نور)

ناشر: انتشارات شویکی

چاپ اول: ۱۳۹۸

قطع رقی / تعداد صفحه: ۱۴۹

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۶۸-۶-۹

حق چاپ برای مترجمان محفوظ می باشد

آدرس: خوزستان، شادگان، خیابان شهید مطهری غربی بعد از زیرگذر پل ولایت ابتدای بلوار شهدای خنافره

تلفن تماس: ۰۶۱۵۳۷۲۸۸۶۷

فهرست مطالب

بخش اول: اسلام آزادی را تحکیم نمود

آزادی و معنای آن ۱۳

فصل اول : انسان و عمل ۳۱

فصل دوم : وسایل آزادی در اسلام ۵۵

فصل سوم : تاثیر آزادی در اسلام ۷۱

فصل چهارم : آزادی در اسلام ، آزادی واقعی است ۹۱

بخش دوم : آزادی های عام در اسلام

مفهوم آزادی ها و حقوق ۱۰۳

فصل اول : آزادی های سیاسی ۱۰۹

فصل دوم : آزادی های اجتماعی ۱۲۴

فصل سوم : آزادی های اقتصادی ۱۳۸

پایان ۱۴۴

مصادر و منابع ۱۴۸

بین جبر و اختیار، تناقض نهایی وجود دارد و بدیهی است که بگوییم وجود جبر یعنی: نفی وجود اختیار؛ همان طور که وجود اختیار، نفی وجود جبر می باشد. این بدان سبب است که هر جهت، عمل جهت دیگر را متوقف و نو می کند. قطعاً جبر نمی تواند علامت، نشانه ای روشن و یا اثری ممتد و فعال در ناحیه ای بگذارد که اختیار بر آن غالب باشد. همچنین؛ اختیار نیز نمی تواند علت تأثیر گذار و فعال بر ناحیه ای بگذارد که جبر از قبل بر این ناحیه برهمنش باشد. همچنین تصویر هنگامی که از جهت مجرد بودن به جهت جسم بودن منتقل شویم، واضح تر می شود.

ما می توانیم در این راستا در ابعاد این تصویر و بسیاری از صفات آن تحقیق کنیم؛ البته زمانی که اصل تئیه بین این دو وضعیت وجود داشته باشد. وضعیت اول، وضعیت انسان مجبوری است (وضعیتی فرضی) که نمی تواند از مسیری که برای او مشخص شده است، دور شود و وضعیت دوم، وضعیت انسانی است که توانسته زمام امور را در اختیار گیرد، پس در انتخاب، آزادی مطلق داشته است. در وضعیت اول: یعنی وضعیت انسان مجبور، ما در مقابل انسانی هستیم که هیچ چیزی از معنای اراده را در حقیقت کاشی در اختیار ندارد. اگر ادعا کند که مالک اراده است، قطعاً اراده، فقط اسمی می باشد که فارغ از معنا، ابعاد و مضمون خود است، تا زمانی که اراده (در چنین وضعیتی) قدرتی باشد که مالک آن نتواند آن را به کار گیرد یا از آن استفاده

کند؛ پس این جبر، ضرورتاً نفی اراده است و این جبر، دوری نهایی از معنای توانایی و قدرت بر انتخاب از طریق: بینش و ادراک و تصمیم گیری است.

در این وضعیت، انسان کار را انجام می دهد و به طور کلی معین می کند که او به اجبار، سوق و هدایت داده شده است؛ در ظاهر به نظر می رسد که در چنین وضعی، عمل به وسیله حرکتی فرضی، دور نمی شود. همچنین در اینجا به گزارش وضعیت بی نفعی می رسیم که: تلاشی است در زمینه مطالعه، بررسی، تحقیقی برای توسعه و ساخت و ساز. اگر فرض بر این باشد که حال و آینده، وقتی بی نهایت که نتوان هیچ جزئی از آن ها را تکان داد، به تصویر کشیده شده باشد، و آن فرضی است که باعث می شود ما اعتراف کنیم که تغییر امکان پذیر نیست. این وضعیت به معنای حذف تمام انرژی های انسانی و محدود کردن آن ها به هارچوبی از سلبیات و توقف رشد، توسعه و پیشرفت، می باشد. انسان علیرغم داشتن (که خداوند وی را به وسیله عقل متمایز کرده) توانایی عقلی بود، انسان را شگفت انگیز و با خلاقیت بسیار به هیچ صورتی که شامل قدرت تشخیص و انتخاب و نفی می شود، بهره نمی برد.

به نظر می رسد که انسان در این زمینه بر محدود کردن توانایی های عقل خود یا کنار گذاشتن عمل آن اصرار دارد، علیرغم این واقعیت که، او با عقل و اندیشه متمایز است و بر از کار انداختن اراده و قرار دادن آن در چرخه فلج شدگی و ناپدید شدن تاکید دارد. با توجه به اینکه او مالک این

اراده می باشد و نیز بر محدود کردن ملکه اختیار و تشخیص اصرار می کند، علی رغم اینکه او مالک آن است، پس وی انسانی است که مالک عقل و اراده و ملکه اختیار، انتخاب و تشخیص است و به این دلیل که مجبور، هدایت شده و محکوم است، تمام این ها را لغو کند. این وضعیت از خطرناک ترین شکل از اشکال اعتراف به آنچه وجود دارد، فرض می شود، بدون تلاش یا عمل برای تغییر یا تبدیل و خواستن بهترین ها، انسان گناه کار نمی تواند انتخابی جز اینکه گناه کار باشد، داشته باشد چون این مساله مقدر و نوشته شده است.

انسان قاتل نمی تواند جز قاتل باشد، به این دلیل که خداوند خواسته که اینگونه باشد! چگونه این ها می توانند از سرنوشت نوشته شده، رهایی یابند و چگونه شخصی که مجبور شد می تواند از اهل آتش باشد؟ پس قضیه (و در فرضیه جبر می مانیم به پایان رسیده است و تلاش کردن یا سعی برای تغییر، دیگر سودی ندارد، زیرا بخش وضعیتی، در کنار خطر قبلی در قضیه تسلیم سلبی، انسان را به اعتراف به سلبیات، زیادی سوق می دهد که خداوند آن ها را برای بندگانش قبول نمی کند. مانند اعتراف به اینکه استعمارگری (مثلاً) بر کشوری مقدر شده است و زمینه ای برای ردی از آن نیست، همچنین تخلف، نادانی، بی سوادى و... اموری هستند که برای ما نوشته شده اند و نمی توانیم آن ها را دفع یا تغییر دهیم.